

نظارت و مداخلات دولت در قراردادهای ليسانس و تحديد قاعده تسليط

اکرم داغ برزی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

چکیده

بدیهی است نقش دولت در دسترسی به اقدامات قانونی مناسب، مکانیزم لازم و ضروری در زمینه اجازه بهره‌برداری است که تحت این اقدامات برای صاحبان حقوق امکان خواهند داشت که از هر اقدام تخلف‌آمیز ممانعت به عمل آورند و دولت‌ها نیز بتوانند با هر گونه تخلفی که عمداً با هدف دستیابی به سودهای کلان صورت می‌گیرد، برخورد نمایند بر این اساس عموماً اجازه‌های بهره‌برداری در قوانین شامل تشریفات رسمی در شماری از حوزه‌های سلسله‌مراتبی است. این تشریفات و رویه‌ها به این دلیل طراحی شده‌اند که صاحبان حقوق را نه تنها در کسب حقوق خود کمک کند بلکه حتی آنان را مجبور سازند که از تخلف یا تجاوز دیگران (معمولاً رقبا) جلوگیری به عمل آورند. ضمن اینکه در دنیای معاصر مسائل مربوط به اجازه بهره‌برداری علاوه بر ابعاد حقوقی دارای مباحث عمیق سیاسی نیز شده است. زیرا دانش و فناوری با قدرت سیاسی پیوند خورده و وسعت دانش بیانگر میزان توانایی، قدرت و اقتدار دولت قلمداد می‌گردد. و نکته قابل توجه اینکه دولت‌ها و نهادهای مدنی نیز تلاش می‌کنند قواعد آن را با اهداف خود هماهنگ کنند که این مسئله خود بیانگر حساسیت و اهمیت نقش نظارتی دولتهاست. در این مقاله به نقش و نظارت دولت بر قراردادهای ليسانس و حقوق مصرف‌کنندگان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قرارداد ليسانس، حق امتیاز، حقوق تکنولوژی، دولت، صاحبان حقوق

۱. مقدمه

بدیهی است نقش دولت در دسترسی به اقدامات قانونی مناسب، مکانیزم لازم و ضروری در زمینه اجازه بهره‌برداری است که تحت این اقدامات برای صاحبان حقوق امکان خواهند داشت که از هر اقدام تخلف‌آمیز ممانعت به عمل آورند و دولت‌ها نیز بتوانند با هر گونه تخلفی که عمداً با هدف دستیابی به سودهای کلان صورت می‌گیرد، برخورد نمایند بر این اساس عموماً اجازه‌های بهره‌برداری در قوانین شامل تشریفات رسمی در شماری از حوزه‌های سلسله‌مراتبی است. این تشریفات و رویه‌ها به این دلیل طراحی شده‌اند که صاحبان حقوق را نه تنها در کسب حقوق خود کمک کند بلکه حتی آنان را مجبور سازند که از تخلف یا تجاوز دیگران (معمولاً رقبا) جلوگیری به عمل آورند. (علیخان، ۱۳۸۹: ۱۵۵) ضمن اینکه در دنیای معاصر مسائل مربوط به اجازه بهره‌برداری علاوه بر ابعاد حقوقی دارای مباحث عمیق سیاسی نیز شده است. زیرا دانش و فناوری با قدرت سیاسی پیوند خورده و وسعت دانش بیانگر میزان توانایی، قدرت و اقتدار دولت قلمداد می‌گردد. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱) و نکته قابل توجه اینکه دولت‌ها و نهادهای مدنی نیز تلاش می‌کنند قواعد آن را با اهداف خود هماهنگ کنند که این مسئله خود بیانگر حساسیت و اهمیت نقش نظارتی دولتهاست. (علیخان، ۱۳۸۹: ۱۵)

در این قسمت به نقش و نظارت دولت بر قراردادهای لیسانس و حقوق مصرف‌کنندگان پرداخته می‌شود.

۲. دولت و حقوق مالکیت فکری

مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند. در اصطلاح چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تبدیل به پول باشد، بنابراین حقوق مالی مانند حق تحجیر و شفعه و علامت تجاری هم مال محسوب می‌شوند. واقعیت این است که از زمانی که جوامع به مفهوم امروزی شکل گرفته‌اند و شهرنشینی رواج یافت حقوق مالکیت فکری هم با توجه به اهمیت و ارزش آن در پیشرفت و توسعه جوامع، به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شده و دارای ارزش مالی گردیده و و بدین جهت امروزه به عنوان یک مال محسوب می‌شود. در این بخش رابطه میان دولت و حقوق مالکیت فکری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور در این بخش با توجه به سهم روزافزون اموال فکری در نظام تجاری اقتصادی کنونی، به ضرورت، به طور خاص نقش و جایگاه دولت در حوزه حقوق فکری و ضرورت و نحوه مداخله آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۲. ضرورت مداخله دولت در حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در واقع به رسمیت شناختن اصالت مالکیت محصول خرد به صاحب خرد است. (نوروزی، ۱۳۸۱: ۱۶۷) این اصل اگرچه در دوره‌های اولیه تکوین سرمایه داری، در سایه اهمیت عظیم مالکیت فردی که بیشتر بر مصادیق مادی مترتب بود، کم و در حاشیه قرار داشت اما به مرور زمان همواره با اوج گرفتن اهمیت فناوری بر پایه سرمایه مادی، خود را از زیر سایه آن بیرون کشید و به عنوان اصل اساسی برای رونق صنعت، تولید و توسعه مطرح شد (ایدریس، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۸) و با توجه به تجارت رقابتی و اهتمام دولت‌ها به توسعه مبتنی بر دانایی، حقوق مالکیت فکری امروزه به عنوان یکی از مسائل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی و ابزار مهم و اساسی برای رشد اقتصادی و با ارزش‌ترین سرمایه در معاملات و دادوستدهای تجاری تلقی می‌گردد. از طرفی تنوع آفرینش‌های فکری و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف صنعت، تجارت، ادب و هنر و افزایش رغبت عموم در برخورداری از آن‌ها، نه تنها این دسته از پدیده‌ها را با ارزشی روز افزون مواجه کرده و از این رو در دنیای امروز از دید عرف‌ها و قوانین تردیدی در مال بودن آن‌ها نیست،

بلکه دولت‌ها نیز کم و بیش به اهمیت این اموال پی برده و با وضع مقرراتی خاص به تلاش برای حفظ اصالت این پدیده‌ها و حمایت از صاحبان آن برخاسته‌اند (نوروزی، ۱۸۰: ۱۳۸۱).

دولت‌ها با درک نقش دانش و فناوری و مهارت به عنوان اصلی‌ترین عامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین، به دنبال گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان و تجاری سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری بوده و به این منظور طراحی و استقرار کامل نظام تقنینی جامع در این زمینه را یکی از اقدامات ضروری می‌دانند. به بیان دیگر حمایت از صاحبان اندیشه به منظور احترام به حقوق شخصی و ارج نهادن به تلاش‌ها و زحمات فکری و تحقیقاتی آن‌ها و نظارت دقیق بر حفظ این حقوق، وظیفه‌ای است که هر دولتی آن را بر دوش خود احساس می‌کند و وجه سلبی این نظارت تقنینی دولت این است که اشخاص غیر از صاحبان اندیشه و پدیدآورندگان محصولات فکری نمی‌توانند به راحتی و بدون تحمل هزینه‌های معقول، از حاصل تلاش آن‌ها بهره مند شوند، (میر شمسی، ۱۳۸۷: ۸) زیرا حق مالکیت صرف نظر از مادی یا غیرمادی بودن موضوع آن، حقی است قانونی و مبتنی بر منطق حقوق که به موجب آن دارند در چارچوب موازین مدون از مایملک خود استفاده کرده و دیگران را از تصرف نابجا در آن باز می‌دارد. از این رو اموال غیرمادی نیز همانند اموال مادی در سیطره انحصاری مالک قرار داشته و بهره‌برداری دیگران از آن ممکن نیست مگر به موجب قانون. به همین دلیل دولت باید مقررات ویژه‌ای را به منظور جلوگیری از سوء استفاده اشخاص غیر محق وضع کرده، به اجرا گذارده و نیز بر آن نظارت نماید. (عربیان، ۱۳۸۲: ۹۶)

براین اساس حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری، به لحاظ برتری این دارایی‌ها بر دارایی‌های مادی، در بسیاری از موارد علاوه بر ایجاد انگیزه و تشویق مبتکرین و نوآوران، مخترعین و مؤسسات تحقیقاتی برای فعالیتهای ابتکاری، عامل بسیار مهم در تسهیل موجبات انتقال تکنولوژی و نیز در جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های معین اقتصادی است که اهمیت این امر برای تحقق و تسریع توسعه در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر تمایل و تقاضا برای داشتن محصولات فکری همواره چه از طرف بخش دولتی و چه از جانب بخش خصوصی وجود داشته و نظر به این که این خواسته معقول، متعارف و قابل پذیرش است، دولت‌ها باید شیوه‌های حقوقی و مطمئنی را هم در سطح داخلی و هم گستره بین‌المللی برای حفظ و نیز انتقال این محصولات از صاحبان آن به دیگران ارائه نمایند تا از یک سو انتقال غیرقانونی و نامتعارف و بهره‌برداری ناروا از آن ممکن نبوده و از دگر سو پدیده‌های فکری به صورت عادلانه و معقول در دسترس عموم قرار گیرد، چراکه روزهای طاقت فرسا و با ارزشی که صرف چنین فعالیتهای مبتکرانه‌ای شده است، استحقاق پاداشی معادل با آن فعالیتهای و خدمات ارائه شده را دارد (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۳۲).

ضرورت مداخله قدرت عمومی در این عرصه تا بدان جا اهمیت دارد که گرایش به حفظ حقوق مالکیت فکری توسط دولت‌ها اکنون یک عامل تمیز دهنده بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. پیش از این تصور عمومی چنین تلقی می‌کرد که دانش یا اطلاعات باید آزاد باشد و حقوق مالکیت فکری به عنوان ابزاری برای محدودیت در دستیابی به دانش یا اطلاعات مورد استفاده قرار گیرد، ولی امروزه رفتار دولت‌ها نشانگر کنش‌های عقلانی سیاستمداران و نظامیانی است که می‌کوشند تا منافع کشور خود را در چارچوب احتیاط به منظور حفظ بقای سیاسی و ملی به حداکثر برسانند (بزرگی، ۱۰۴: ۱۳۷۵) و از آن جایی که حمایت از آثار فکری و صنعتی در رشد و تعالی اندیشه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و توسعه اقتصادی هر جامعه تأثیر انکار ناپذیری دارد، تمامی کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته یا در حال توسعه دریافته‌اند که جامعه نیاز فراوانی به وجود مقررات حمایت کننده از پدیدآورندگان آثار فکری و صنعتی دارد. بنابراین همگام با تحولات ملی و فراملی، در صدد ایجاد مقررات جدید یا اصلاح و تکمیل ضوابط موجود در زمینه حقوق مالکیت فکری هستند و در این خصوص تلاش مستمری

دارند و از جریانات بین المللی غافل نمی‌مانند. (امامی، ۱۳۸۶: ۱۰) چراکه علی‌رغم این که برآوردهای منتشر شده در خصوص درآمدهای از دست رفته صنایع در نتیجه نقض حقوق مالکیت فکری، بسیار گوناگون هستند، ولی هیچ تردیدی نیست که استفاده غیر مجاز از مالکیت‌های فکری خسارات قابل ملاحظه‌ای را در پی می‌آورد. هرچند که تا چند دهه گذشته، عواقب سوء این قبیل تخطی‌ها، عمدتاً محدود به تجارت داخلی بوده ولی در دنیای معاصر، حمایت از حقوق مالکیت فکری، ابعاد گسترده و غیر قابل اجتنابی یافته است که حمایت‌های فراتر از نظام کنونی سازمان جهانی مالکیت فکری را می‌طلبد. با عنایت به این نکته که در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۲ سهم محصولات متضمن مالکیت فکری در تجارت جهانی از ۱۱ درصد به ۷۳ درصد افزایش یافته است، حمایت از حقوق مالکیت فکری، نه تنها به حمایت از جنبه‌های تجاری این حقوق در سطح بین الملل می‌پردازد بلکه چارچوبی برای رفع اصطکاک تجاری میان کشورها تلقی می‌شود و اینجاست که ضرورت حمایت دولت‌ها از این حقوق به وضوح قابل درک است (وکیل، ۱۳۸۹: ۲۳).

۲-۲. اهداف دولت از مداخله در حقوق مالکیت فکری

سیر تحول مالکیت و دگرگونی آن از حالت اشتراکی به حالت فردی و شخصی مؤید این نظر است و این تفکر را تقویت می‌کند که مالکیت فردی باید بر پایه نفع اجتماعی استوار باشد. شواهد و تاریخ سیاسی و اقتصادی جوامع گوناگون گویای این واقعیت است که کاربرد مفید اجتماعی مالکیت فردی مشروط بر این است که مالکیت فردی براساس اصول صحیح اقتصادی استوار گردد و در واقع مالکیت، دست رنج تلاش منطقی و ابتکار اصول شخص باشد. به همین دلیل سوء استفاده از این حق در جوامع متمدن امروزی پذیرفته نیست و نباید به طور مطلق از مالکیت فکری حمایت گردد بلکه با حفظ حق مالکیت فردی، برقراری تعادل و تأمین عدالت اجتماعی در اموال و مالکیت یکی از اصول مسلم و تردید ناپذیر جهان کنونی است. (امامی، ۱۳۸۶: ۴۵) از این رو در حال حاضر مفهوم مالکیت و حدود و قلمرو آن متحول شده و بین مالکیت جمعی و عمومی و شخصی یا فردی موازنه علمی و منطقی برقرار گردیده است. در کشورهای بزرگ جهان نیز همین طرز فکر حکومت دارد. در فرانسه با وجود طرفداری شدید از حقوق فردی و مالکیت شخصی یا انفرادی و در ردیف حق آزادی قرار دادن آن، امروزه حق مالکیت متحول شده و به صورت منطقی و متناسب با موقعیت جامعه ۹ تعدیل یافته است و مالکیت فکری نیز که در برابر مالکیت مادی، پدیده‌ای است تقریباً جوان و سابقه واقعی پیدایش آن به قرن ۱۸ می‌رسد، حقی فردی است ولی جنبه عمومی نیز در آن لحاظ گردیده است؛ حقی طبیعی قبل از تشکیل جامعه سیاسی که دولت بنا بر وظایف خود باید از آن حمایت کند و هدف غایی از این حمایت و اجرای این حقوق، رفاه اقتصادی و اجتماعی از رهگذر توازن بین حقوق و الزامات است. (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۲۸) در واقع این حقوق به منظور اعطای مصونیت یا امتیازات تبعیض آمیز طراحی نگردیده اند؛ بلکه این حقوق به منظور رشد و ارتقاء منافع عمومی شناسایی و اعطا می‌شوند. بنابراین نیل به منافع مورد انتظار این حوزه مستلزم اجرای مؤثر نظام‌های مختلف حقوق مالکیت فکری و توازن بین حقوق عمومی و حقوق اشخاص خواهد بود. با لحاظ این قانون گذار و حکومت باید در صدد برآوردن بیشترین خوشی برای بیشترین تعداد ممکن از افراد جامعه باشد و اگر تعارض در منافع حاصل آید، وظیفه دولت هماهنگ سازی است به نحوی که مصلحت عام برآورده شود. (حکمت نیا، ۱۳۸۳: ۲۱) با این حال تعادل و توازن بین حقوق فردی و جمعی در این خصوص باید به نحو و شیوه‌ای باشد که فضا و محیط لازم را برای رشد و تعالی اندیشه و فکر که از مؤلفه‌های مهم اقتصاد دانش محور است، فراهم و ایجاد نماید. (میر حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵)

اگرچه در ده سال گذشته، گستره حمایت از حقوق مالکیت فکری از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیرتر گسترش یافته است، اما پژوهش‌های گسترده، مباحثات، اصلاحات و آموزش درباره مالکیت فکری در سال‌های اخیر، نشانی از رسیدن به توافق جهانی در مورد تأثیر نظام فعلی مالکیت فکری بر رفاه انسان و این که اصلاحات در این زمینه تا چه حد ممکن است به جامعه کمک یا به آن لطمه وارد کند، نداشته است. در اواخر قرن نوزدهم، مباحثات داغی در مورد این که آیا کشورها باید به اولین دور پیمان‌های حقوق مالکیت فکری بین‌المللی بپیوندند یا نه، جریان داشت و هنوز تا به امروز هم گروه‌هایی که در موافقت و مخالفت با وضع قوانین جدی‌تر مالکیت فکری جبهه گرفته‌اند، مشغول بحث و مشاجره هستند. علت ادامه مباحثات فشرده درباره حقوق مالکیت فکری در طول تمامی این سال‌ها، گرایش نظام‌های مالکیت فکری به عدم توازن بوده است؛ مصداق بارز این عدم توازن در حوزه اختراعات دارویی به وضوح قابل مشاهده است؛ حامیان بیماران مبتلا به ایدز در برزیل و آفریقای جنوبی و دیگر مناطق، بحث می‌کنند که امکان استفاده از پروانه بهره‌برداری داروهای ایدز به قدری محدود است که نمی‌توان آن‌طور که باید، به این داروها دسترسی داشت و در مقابل آن، محققان عقیده دارند که پروانه‌های سهل‌الوصول‌تر موجب از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری‌های کلان و ضروری برای کشف داروهای جدید می‌شود. (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۳۵)

یک نظام متوازن حقوق مالکیت فکری، چه برای دارو و چه برای تولیدات فرهنگی از قبیل موسیقی و فیلم، دارای مکانیسم‌هایی برای ایجاد توازن در دسترسی و انحصار موارد به طور جداگانه است. جزئیات قانونی آن بر مبنای موارد نوآوری، انواع حقوق مالکیت فکری و از یک کشور به دیگری دیگر متفاوت خواهد بود، اما اصل مطلب در اینجا است که راه‌هایی برای نوآوران وجود دارد که انحصار اثر و کار خود را داشته باشند و نیز شیوه‌هایی برای دیگران، که بتوانند به نوآوری‌هایی که از طریق حقوق مالکیت فکری حفظ می‌شوند، دسترسی پیدا کنند؛ از جمله این راه‌ها، مذاکرات و روند قانون است. در عین حال باید توجه داشت که صرف تدوین و تصویب قوانین ملی مرتبط با حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند به خودی خود موجب شکوفایی اقتصادی ملی یا تحصیل منافع تجاری شود؛ بلکه مدیریت و بهره‌برداری ماهرانه از نظام‌های حمایتی مالکیت فکری است که می‌تواند نتایج مورد انتظار را در پی داشته باشد و بدیهی است که بدون اصلاح ساختارها و تحکیم پایه‌های حقوقی و اقتصادی مدیریت یکپارچه مالکیت فکری، این نتایج حاصل نخواهد شد.

۲-۳. نحوه اعمال مداخله دولت در حقوق مالکیت فکری

حل معضلات و ایجاد انگیزه کافی در تولید کنندگان حاضر و آینده، حقوق دانان را بر آن داشته است تا پیشنهادهای مختلفی برای تولید بهینه اطلاعات و دانش ارائه دهند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها که مقبولیت بیشتری نیز نسبت به سایر راهکارها کسب کرده است، پیش‌بینی حق انحصاری به نفع خالقان و تولید کنندگان دانش و اطلاعات است که در نتیجه آن وصف استثناء پذیری اطلاعات و دانش به حکم قانون از میان برده می‌شود و تولید کنندگان قادر خواهند بود به پشتوانه حمایت قانون‌گذار، سوارکاران مجانی را از استفاده و بهره‌برداری‌های غیر مجاز از آثار و مخلوقات خود بازدارند. در واقع جنبه منفی حاصل از حقوق اعطایی به انواع مالکیت‌های فکری این است که این حقوق اساساً دیگران را از انجام برخی امور در رابطه با آن‌ها باز می‌دارند و به عبارت دیگر از وصف بازدارندگی برخوردارند (وکیل، ۱۳۸۹: ۲۰).

دلیل اصلی شناسایی حق انحصاری به نفع خالقان و پدیدآورندگان اطلاعات و دانش‌های نو و ابتکاری جدید توسط دولت، ایجاد انگیزه در تولید کنندگان حال و آینده برای اشتغال در فعالیت‌های ابداعی و افزایش سطح ابداع و نوآوری در جامعه است.

(Michael and Blakeney, 1989: p.p 49-57)

طبق دیدگاه مرسوم و رایج اقتصادی، رقابت آزاد، هنجار و قاعده بنیادین بازار تولید کالا و خدمات مختلف به شمار می‌رود که شناسایی حق انحصاری به نفع نوآوران و مبدعان فنی و علمی به دلیل هزینه‌های اجتماعی انحصار و مشکلات دیگر، استثنایی بر این هنجار است. از این رو به عنوان یک امر استثنایی، این حق زمانی و تا جایی به مبدعان و نوآوران اعطا می‌شود که برای تشویق ابداع و نوآوری ضرورت داشته باشد. محدودیت‌های موجود در نظام کنونی حمایت از مبدعان و نوآوران عرصه‌های مختلف تولیدی و خدماتی از قبیل مدت موقت حمایت یا دایره محدود حمایت همگی در این راستا توصیه می‌شوند. به این ترتیب امتیازات انحصاری که حقوق مالکیت‌های فکری به همه صاحبان حق فکری اعطا می‌کند و به موجب این امتیازات آن‌ها می‌توانند در مورد حقوقشان، تصمیماتی مطابق با منافع خود اتخاذ کنند، نه نامحدود بوده و نه هدف اصلی آن‌ها تأمین منافع شخصی صاحبان حق است بلکه این امتیازات محدود است و وسیله‌ای است که به کمک آن، یک هدف عمومی بسیار مهم به دست می‌آید. (انصاری، ۱۳۸۷: ۸۱)

به عبارت دیگر به دلیل ناکارایی‌هایی که پیش‌بینی حق انحصاری در دسترسی هرچه گسترده‌تر مصرف‌کنندگان به دانش و اطلاعات تولید شده و هم چنین تولید ابداعات به همراه دارد، دولت در عین اذعان به لزوم پیش‌بینی حق مذکور، برقراری برخی محدودیت‌ها در اعطا و اجرای این حق را نیز پیشنهاد نموده است تا به این ترتیب در عین حال که انگیزه لازم برای تداوم حضور تولیدکنندگان فعلی و ورود تولیدکنندگان بالقوه آینده به بازار تولید دانش و اطلاعات فراهم می‌گردد، ناکارایی‌های متعاقب پیش‌بینی این حق نیز تا حدودی تخفیف و تسکین یابد.

از همین رو لزوم حمایت هم زمان از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان صنعت اطلاعات و دانش و ایجاد تعادل و توازن میان انگیزه دسترسی، اصل راهنمای سیاست‌گذاری و تعیین خط و مشی‌های اصلی نظام قانونی دولت‌ها به شمار می‌رود که در این زمینه با وضع قوانین جامع و مانع، زمینه هرگونه سوء استفاده از حقوق محدود خواهد شد. در عین حال باید توجه داشت طرحی که در قوانین مربوط به مالکیت‌های فکری ریخته می‌شود، نباید مانعی در برابر تولید علم و فناوری باشد بلکه باید تدبیری باشد که آثار ابتکاری را تغذیه می‌کند چرا که این آثار در حکم بذر و ماده گنجینه‌های دانش هستند. به بیان دیگر حقوقی که به نام مالکیت‌های فکری اعطا می‌شوند، باید جهت کمک به اشخاصی تنظیم و طراحی شوند که به افزایش گنجینه دانش عمومی کمک می‌کنند. (همان: ۸۵-۸۷)

به طور کلی پژوهش حاضر در پایان این بخش ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که حقوق مالکیت فکری یکی از مسائل زیربنایی اقتصادی در سطح ملی بوده و ابزاری مهم برای توسعه به شمار می‌رود، از این رو حمایت مؤثر از مالکیت فکری، به وسیله ایجاد، استفاده و تقویت حقوق قانونی اشخاص، انگیزه لازم در جهت خلاقیت و نوآوری علمی را فراهم آورده، انتشار و استفاده از دانش فنی جدید را تسهیل نموده و محیط مناسبی را برای مبادله منظم مالکیت فکری کالا و خدمات موجود در بازار به وجود می‌آورد.

از طرف دیگر در یک نظام مؤثر و متوازن مالکیت فکری، حقوق انحصاری مانند انگیزه‌ای برای پروراندن تمایل ذاتی انسان به خلق چیزهای تازه عمل می‌کند و نیز چارچوبی برای همکاری و سرمایه‌گذاری در اندیشه‌های نوآورانه ایجاد کرده و آن‌ها را در جامعه عرضه می‌کند. اما این حقوق انحصاری و کنترل، که متعلق به نوآوران و سرمایه‌گذاران است، دارای محدودیت‌هایی نیز است تا مردم دیگر هم بتوانند با استفاده از آن، به فرآورده‌ها و افکار تازه‌ای دست یابند و چرخه نوآوری از کار باز نایستد. بر این اساس از نظر نگارنده از آن جا که جایگاه حقوق مالکیت فکری در مطالعات حقوقی، موقعیتی چهارراه گونه است و در تقاطع حوزه خصوصی^۱، عمومی^۲، ملی^۳، بین‌المللی^۴ قرار دارد و واجد یک هم‌پوشانی موضوعی در مسائل و مطالعات

^۱ Private

حقوقی است، با عنایت به این نکته با برقراری یک توازن بین منافع اجتماعی به عنوان حقوق عمومی و حقوق فردی می‌توان مدل بهتری از اقتصاد حقوق مالکیت فکری ایجاد کرد؛ وظیفه و چالش مهمی که تلاش مجدانه سیاست‌گذاران کشورها را در حوزه مالکیت فکری طلب می‌کند. چرا که نوآوری و قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری، همیشه برندگان و بازندگان داشته و خواهد داشت.

این امر نگران‌کننده است، اما نقش دولت، در عوض انتخاب برندگان، باید تضمین توازن میان آزادی یک نوآور در محروم ساختن دیگران و یا آزادی عمل او برای در دسترس قرار دادن حاصل کار خود باشد. بدیهی است شرط لازم و ضروری برای پایه ریزی یک نظام قانونی مناسب بدین منظور و مدیریت این نظام در سطح ملی و بین‌المللی، در اختیار داشتن یک استراتژی ملی مالکیت فکری است که بتواند اهداف، محورها و خطوط اساسی حمایت از این حقوق را در حوزه‌های مختلف اعم از مالکیت صنعتی و ادبی و هنری در بلند مدت و متناسب با الزامات توسعه‌ای کشور ترسیم کند تا بر پایه آن بتوان سیاست‌ها و برنامه‌های مقتضی را به اجرا در آورد. برای تدوین این استراتژی مناسب نظارتی در کشور، ملاحظاتی باید مورد توجه قرار گیرد که از جمله آن می‌توان به بررسی نظام مالکیت فکری کشور و جایگاه آن در حوزه‌های مختلف پرداخت.

۳. دولت و قرار دادهای لیسانس

حقوق مالکیت با اعطای قدرت انحصاری از صاحبان این حقوق حمایت می‌کند و آن‌ها می‌توانند بازار را کاملاً در اختیار بگیرند و این می‌تواند به عنوان یک ابزار سودمند مشوق ابداعات، بهره‌برداری از اختراع، طرح‌های صنعتی و علامت تجاری باشد. لیکن ممکن است برخی از مالکین حقوق مالکیت فکری با وسوسه سود بیشتر و با تحریف مفهوم واقعی رقابت، از حقوق قانونی خود برای جلوگیری از رقابت، به صورت غیر معقول استفاده کنند و امکان رقابت سالم تجاری را خدشه دار نمایند. در این صورت بازار از حالت رقابتی خارج و به انحصار نزدیک می‌شود. لذا مداخله دولت و سیاست‌های دولتی برای فراهم سازی رقابت سالم و جلوگیری از نقض قوانین رقابت به طرق مختلف حقوقی و قانونی در بازار، لازم و ضروری است. در این بخش، ابتدا به بررسی ضرورت نظارت دولت در حوزه قراردادهای اجازه بهره‌برداری پرداخته می‌شود و سپس نقش دولت در این عرصه و اهدافی را که بدین منظور دنبال می‌کند مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳-۱. ضرورت نظارت دولت بر قرار دادهای لیسانس

مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که سیستم بازار به تنهایی قادر به تخصیص بهینه منابع در تمامی شرایط و موقعیت‌ها نیست. بازار تنها زمانی به طور کارآمد عمل می‌کند که شرایط مطلوبی برای عملکرد صحیح آن فراهم شده باشد. در حالت بازار رقابتی کامل است که تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد ولی ممکن است بازار از حالت رقابتی خارج شود و به انحصار نزدیک شود و منابع جامعه نه در راستای حداکثر نفع برای جامعه بلکه برای عده‌ای خاص تخصیص یابد. سوء استفاده از حق انحصاری ناشی از مالکیت‌های فکری و اعمال شرایط غیر منصفانه در قراردادهای اجازه بهره‌برداری از حقوق فکری نیز از عواملی است که سبب ایجاد این فضا می‌گردد (وکیل، ۱۳۸۹: ۸۸)

² public

³ Natinal

⁴ International

در مورد قراردادهای اجازه بهره‌برداری از اموال فکری، رفتارهای ضدرقابتی و سلطه جویانه متعددی وجود دارد که همگی در جهت از بین رفتن رفاه مصرف کننده، عدم تخصیص بهینه منابع و از میان به در کردن رقبا به کار می‌روند. دولت‌ها با مشاهده کاستی‌های بازار برای از بین رفتن این نواقص، اقداماتی را صورت می‌دهند، در واقع نقش نظارتی به خود می‌گیرند تا شرایط را برای تخصیص بهینه منابع و رفاه مصرف کننده فراهم کنند. اعمال انحصارات غیر عادلانه در این قراردادها و یا حرکت در جهت کسب آن‌ها در اکثر جوامع با برخورد دولت‌ها مواجه می‌شود، حتی برخی دولت‌ها، انحصارات مجاز را محدود می‌کنند تا به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود دست پیدا کنند. (همان: ۸۹)

بر این اساس یکی از ابزارهای مهم دولت‌ها برای ایجاد شرایط مناسب رقابتی در قراردادهای اجازه بهره‌برداری و رفع هرگونه انحصار، استفاده از مقررات ناظر بر انتقال تکنولوژی و نیز حقوق رقابت است.

این حقوق از انواع حقوق عمومی به شمار می‌رود که با استفاده از قدرت حاکمیت دولت‌ها، سعی بر ایجاد شرایط و فضای اقتصادی مطلوب دارد. در برخی از موارد تنها قدرت دولت است که می‌تواند مسأله را حل کند چرا که صاحب قدرت در بازار می‌تواند اقداماتی را به نفع خود صورت دهد و دیگران در حالت اضطرار و اجبار مجبور به پذیرش آن شوند. از این رو مقررات نظارتی دولت‌ها بر قراردادهای اجازه بهره‌برداری از اموال فکری، موجب جبران کاستی‌های ناشی از نقص بازار در حالت انحصاری می‌شود تا هرچه بیشتر آن را به حالت رقابتی نزدیک کند، چرا که تنها در حالت رقابتی است که مصرف کننده به محصولات و خدمات مورد احتیاجش با نازل‌ترین قیمت و بالاترین کیفیت ممکن دست می‌یابد. (همان: ۹۱)

به طور کلی رویه‌های ضدرقابتی و انحصار، به دلیل تخصیص نامطلوب منابع، با برخورد دولت‌ها از طرق مختلف مواجه می‌شود ولی با این وجود همان طور که پیش‌تر ذکر شد، حتی در پیشرفته‌ترین اقتصادهای بازار، موارد انحصاری به چشم می‌خورد که با دیده اغماض به آن‌ها نگریسته می‌شود و دولت‌ها با این که همواره سعی در ایجاد فضای رقابتی دارند حاضر می‌شوند به عده‌ای خاص، امتیازات ویژه‌ای را ارائه کنند تا قدرت چانه زنی آن‌ها افزایش یابد و در برابر رقبای خود، موقعیت بهتری داشته باشند. یکی از بارزترین نمونه‌های انحصار، حقوق مالکیت فکری است که توسط دولت‌ها به افراد خاصی برای زمان معینی داده می‌شود تا در آن زمان معین، تنها خود یا افراد منتخب آن‌ها و یا نمایندگان آن‌ها از موضوع مالکیت‌های فکری بهره مند شوند. هر دولتی براساس اهمیتی که قراردادهای اجازه بهره‌برداری و به طور کلی مالکیت فکری برایش دارد، انحصار ناشی از آن را گسترش و یا کاهش می‌دهد و در راستای این اهداف، از ابزارهای نظارت قانونی غافل نمی‌شود.

انحصار ناشی از مالکیت فکری که در قراردادهای اجازه بهره‌برداری متجلی می‌گردد، مطلوب است ولی این انحصار نباید سبب شود که منافع مصرف کننده و اهداف حقوق رقابت به خطر بیفتد؛ در واقع، نباید وضع به گونه‌ای باشد که صاحبان مالکیت فکری از حقوق خود در این قراردادها سوء استفاده کنند. در اغلب کشورها نظارت دائمی قوانین دولتی و مجریان رقابتی بر این دسته از قراردادها، به ویژه زمانی که بر منافع مصرف کننده تأثیر فراوانی داشته باشد، قابل مشاهده است. با این حال ظرفیت پذیرش حقوق مالکیت فکری توسط مجریان دولتی متفاوت است و اغلب اوقات بستگی به شرایط و اوضاع و احوال خاص حاکم بر آن موضوع دارد. هرچند در برخی قوانین به دلیل اثرات منفی و شدید برخی شروط و محدودیت‌های مندرج در این قراردادها، بدون استفاده از قاعده دلیل، به خودی خود چنین شرایطی باطل محسوب خواهند شد، ولی مجریان رقابتی اغلب با تحلیل‌های دقیق اقتصادی و اجتماعی سعی می‌کنند تا تأثیرات محدودیت‌های صاحبان مالکیت فکری بر جوامع خود را در نظر بگیرند و با مقایسه نفع و ضرر، اقدام به صدور رأی در آن خصوص کنند، در واقع از قاعده دلیل در بررسی اثرات محدودیت‌ها استفاده کنند. در هر حال در تعامل میان حقوق رقابت و حقوق

مالکیت فکری در حوزه قراردادهای اجازه بهره برداری، هر دولتی بنا بر منافع و مقتضیات خود، از سیاست‌های نظارت تقنینی خاصی برای ایجاد تعامل بهره می‌گیرد. (السان، ۱۳۸۵: ۴۵)

۲-۳. نقش دولت در قرار دادهای لیسانس

تحولات جدید صنعتی، نوآوری‌های تکنولوژیک همراه با آمیختگی رو به تزاید مسائل حقوقی، سیاسی، امنیتی و توسعه‌ای موجب شده تا قراردادهای اجازه بهره‌برداری براساس ابعاد و زوایای تخصصی‌اش در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی دولت‌ها توسعه و تحول پیدا کند، از این رو بدیهی است نقش دولت در دسترسی به اقدامات قانونی مناسب، مکانیزم لازم و ضروری در زمینه اجازه‌های بهره‌برداری است که تحت این اقدامات برای صاحبان حقوق امکان خواهد داشت که از هر اقدام تخلف‌آمیز ممانعت به عمل آورند و دولت‌ها نیز بتوانند با هرگونه تخلفی که عمداً با هدف دستیابی به سودهای کلان صورت می‌گیرد، برخورد نمایند. بر این اساس عموماً اجازه‌های بهره‌برداری در قوانین شامل تشریفات رسمی در شماری از حوزه‌های سلسله‌مراتبی است. این تشریفات و رویه‌ها به این دلیل طراحی شده‌اند که صاحبان حقوق را نه تنها در کسب حقوق خود کمک کنند بلکه حتی آنان را مجبور سازند که از تخلف یا تجاوز دیگران معمولاً رقبای ممانعت به عمل آورند (علیخان، ۱۵۵: ۱۳۸۹).

بدیهی است اگر نقش دولت‌ها در زمینه نظارت تقنینی کم رنگ باشد و یا رویه‌های اعمال قوانین مزبور پرهزینه و کند باشد، نمی‌توان به نتایج مطلوبی رسید لذا بیشترین مساعدتی که دولت‌ها می‌توانند در این راستا انجام دهند، تقویت و نوین‌سازی قوانین و نیز حمایت و نظارت دقیق بر آن‌هاست چرا که دولت‌ها در حوزه داخلی و ملی قادر به اعمال اقتدار هستند و ملاحظات، اهداف و منافع دولت‌ها کلیدی‌ترین عامل در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی در این زمینه است. در خصوص اعمال سیاست تقنینی دولت‌ها باید در نظر داشت که قوانین مربوط به اجازه‌های بهره‌برداری لازم است به طور مرتب مورد تجدیدنظر قرار گرفته و به‌هنگام گردد تا بتواند با فناوری‌های جدید همگام شود. بدیهی است که بهترین قوانین در جهان باید به موقع ترویج یابند چون صرفاً بایگانی کردن آن‌ها سودی نخواهد داشت، مگر این که به‌طور مؤثر و کارا به اجرا در آیند. (همان: ۱۵۶)

به علاوه در دنیای معاصر مسائل مربوط به اجازه‌های بهره‌برداری علاوه بر ابعاد حقوقی دارای مباحث عمیق سیاسی نیز شده است، زیرا دانش و فناوری با قدرت سیاسی پیوند خورده و وسعت دانش بیانگر میزان توانایی، قدرت و اقتدار دولت قلمداد می‌گردد. به علاوه دولت‌ها و نهادهای مدنی تلاش می‌کنند قواعد آن را با اهداف خود هماهنگ کنند که این مسأله خود بیانگر حساسیت و اهمیت نقش نظارتی دولت‌هاست. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱)

به‌طور کلی از ۱۹۷۰ که تجارت و اقتصاد بین‌المللی وارد فاز جدیدی شده است، دولت‌ها، اشخاص، شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های بین‌المللی به صورت پیچیده‌ای در هم درگیر شده‌اند. از آن جایی که اجازه‌های بهره‌برداری اساساً با مباحث حقوقی و اقتصادی و نیز با روند روبه‌رشد اختراعات، ابداعات و نوآوری‌های متعدد در امور صنعتی، تکنولوژیک روبرو است، لذا حمایت و نظارت بر حقوق صاحبان آن، مستلزم درک و اقدامات جمعی دولت‌ها، هنجارسازی، تنظیم قواعد و رژیم‌های مناسب برای اجرایی شدن آن توسط دولت می‌باشد. تکمیل اسناد و مدارک متعدد در سطح ملی و منطقه‌ای و اصلاح و تکمیل قوانین داخلی برای حمایت از حقوق یاد شده از دیگر وظایف حائز اهمیت دولت‌هاست. اهمیت و سودمندی نظارت تقنینی دولت بر قراردادهای اجازه بهره‌برداری، رابطه

آن با انتقال تکنولوژی و رقابت در تجارت و نیز با توسعه اقتصادی اجتماعی باید به طور فزاینده میان سیاست گذاران دولتی و مدیران مورد تأکید قرار گیرد. (Falvey et al., 2006: 735-734)

در این راستا تحلیل منظم و عینی از نظام نظارتی در هر کشور باید کلید اولویت برنامه ریزان راهبردی و سیاست گذاران در سطح ملی باشد؛ تحلیلی که در چارچوب نظام ملی صورت گیرد و نظارت بر آن در دستور کار اقتصاد ملی قرار گیرد. (علیخان، ۱۳۸۰: ۱۵۸)

۳-۳. نظارت تقنینی دولت بر قراردادهای لیسانس

در این بحث، کنترل مند بودن قراردادهای اجازه بهره‌برداری مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینکه دولت‌ها چگ‌نه از طریق مقررات ناظر بر انتقال فناوری و مقررات ناظر بر تضمین رقابت آزاد بر قراردادهای اجازه بهره‌برداری اعمال کنترل اعمال می‌نمایند. در این بخش این طرق نظارتی در ذیل دو بخش جداگانه مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

الف) نظارت بر قراردادهای لیسانس از طریق مقررات ناظر بر انتقال فناوری

تکنولوژی نیرومندترین عامل تحول و توسعه در جوامع بوده و پیشرفت آن فرآیندی پیوسته و مدام است. بخش اعظم رشد اقتصادی یک کشور در گرو رشد و توسعه تکنولوژیک آن است و انتقال تکنولوژی به معنی زنجیره‌ای منظم از فعالیت‌های هدفمند جهت به کار گیری مجموعه عناصر تکنولوژی در مکانی به جز مکان اولیه است و ایجاد آن گام مهمی در مسیر صنعتی شدن و توسعه اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه که قادر به تولید تکنولوژی‌های پیشرفته نیستند، به شمار می‌رود. به علاوه تکنولوژی تأثیر به سزایی در کمک به توسعه و رشد پایدار دارد. به تعبیری، تکنولوژی را می‌توان مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، دانش‌ها، فنون، مهارت‌ها، تجربیات و سازمان‌دهی دانست که برای تولید، تجاری سازی و بهره‌مندی از کالاها و خدماتی که نیازهای اقتصادی و اجتماعی را تأمین می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرند (هداوند، ۱۳۸۵: ۱). انتقال تکنولوژی حالت خاصی از دگرگونی تکنولوژیک است که در ۳ مرحله اختراع، نوآوری و انتشار صورت می‌گیرد. و در خلال ترتیبات حق امتیاز یکی از جنبه‌های مهم مدیریت سرمایه‌گذاری مالکیت صنعتی می‌باشد. این واقعیت بارها به اثبات رسیده و در این ارتباط اقتصاددانان ثابت کرده‌اند که یک سوم تا یک دوم رشد اقتصادی ملی هر کشور مرهون پیشرفت تکنولوژی آن کشور است.

از طرف دیگر نیازهای مادی و سطح زندگی در جامعه امروز به شدت ارتقا یافته است. پیشرفت علم و فناوری، تقسیم کار در اجتماع را ناگزیر ساخته است و تقریباً کسی نمی‌تواند هم‌زمان با پرداختن اصولی و عمیق به تلاش‌های فکری جهت خلق تکنولوژی نوین به اشتغال و کسب درآمد از مشاغل معمول نیز بپردازد. پس برخلاف گذشته آثار فکری ارزش مادی نیز پیدا کرده‌اند و به عنوان اصلی‌ترین راه تأمین نیازهای مادی پدید آورندگان شناخته می‌شوند. از طرف دیگر این بخش از حقوق با توسعه تکنولوژی رشد و گسترش یافته است؛ استفاده فزاینده از کامپیوتر و تکنولوژی ارتباطات، منجر به توسعه اقتصاد دیجیتال شده و این اقتصاد جدید روش تولید کالاها و خدمات، ماهیت و محتوای آن‌ها و نیز مکانیزم‌های توزیع کالاها و خدمات را متحول ساخته است (نایب زاده، ۱۳۸۶: ۶۳) و این سرمایه‌ها را که نقش مهمی در توسعه تمدن، فرهنگ، اقتصاد و صنعت بشری ایفا می‌کنند را در معرض خطرات بزرگی قرار داده است. به همین خاطر دولت‌ها و ملت‌های صاحب تکنولوژی روز دنیا به تدوین قوانین و دستورالعمل‌هایی جهت

حمایت و نظارت بر مالکیت‌های فکری خالقان تکنولوژی پرداخته و کشورهای دیگر را هم به متابعت و پیروی از این قوانین واداشته‌اند.

در اقتصادهای مبتنی بر تکنولوژی پیشرفته هم چنان که سرمایه‌گذاران از نظر زمان، هزینه و سرمایه منتفع می‌شوند، در صورت حمایت مناسب از حقوق مالکیت فکری آنان، کشورهای میزبان این تکنولوژی نیز به منافع بسیاری نائل خواهند شد. بنابراین در کنار خلق تکنولوژی از طریق پژوهش و توسعه درون‌زا، مدیریت و سازماندهی انتقال تکنولوژی به مثابه یکی از روش‌های مؤثر دستیابی به تکنولوژی مورد نیاز به ضرورتی انکارناپذیر در راه توسعه تکنولوژی تبدیل شده است (آقایی، ۱۹: ۱۳۶۹).

ب) نظارت بر قراردادهای لیسانس از طریق مقررات رقابت

همان‌طور که گفته شد، دولت و اجزای مختلف آن در سیاست‌گذاری و مشخص ساختن راه اصول و قواعد پیشبرد علم و فناوری نقش ایفا می‌کنند. آن‌ها نقش رهبری و هدایت‌گسترش علم و فناوری را در سطح کلان بر عهده دارند. هدف دولت‌ها ایجاد توازن میان منافع به وجود آورندگان فناوری نوین که اغلب به صورت وسیع از منابع و داده‌ها در ایجاد و توسعه فناوری استفاده می‌کنند و منافع به کارگیرندگان آن نوع فناوری که از آن به عنوان ابزار مهمی در جهت بهبود و پیشرفت توانایی‌های فناورانه هر رقابت در بازار بهره می‌گیرند، است.

یکی از ابزارهای دولت در نیل به این هدف، اعمال مقررات رقابتی بر قراردادهای اجازه بهره‌برداری است. حقوق رقابت^۵ یکی از ساحت‌های مهم و پر نفوذ حقوق عمومی اقتصادی است، بازخوانی تاریخی تحولات اقتصادی و حقوق عمومی حاکی از آن است که مبانی حقوق عمومی قواعد حقوق رقابت از تنوری‌های دولت و عدالت متأثر بوده است. البته در این میان سیاست‌های رقابتی لزوماً بنا بر مقدار و سطح توسعه اقتصادی و نیز آداب و رسوم اقتصادی اجتماعی متفاوتند (Ghidini, Gustavo, 2010: 64) و هر یک از نظام‌های حقوقی و سیاسی بر مبنای پایه‌های فلسفی و سیاسی ویژه به موجه‌سازی و کاربرد این قواعد پرداخته‌اند. هدف از اجرای سیاست‌های تقنینی دولت در عرصه رقابت، اجرای عدالت و انصاف و حمایت از بنگاه‌های کوچک در مقابل بنگاه‌های قوی است چراکه سیاست‌های محکم و نیرومند رقابتی احتمال آزادسازی تجارت و پیشرفت‌های رفاهی جهانی را افزایش می‌دهد. (عامری، ۱۳۸۹: ۴۱) بدیهی است اجرای چنین قوانین و سیاست‌هایی زمانی عملی است که سطح صنعتی و اقتصادی کشور به اندازه‌ای رسیده باشد که بنگاه‌های اقتصادی کارآمد را برای فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد (باقری، ۲۸۰: ۱۳۸۶).

۴. نظارت بر قراردادهای لیسانس و حقوق مصرف‌کننده

امروزه در دنیای پیشرفته مالکیت‌های صنعتی، برای پایداری و پیروزی هر تولیدکننده‌ای در هر اندازه‌ای، ارائه دهنده هر محصول و خدماتی و حاضر در هر بازار، باید در اندیشه تأمین یک منبع باشد تا بتواند به کسب و کار خود ادامه دهد و آن منبع مصرف‌کنندگان هستند. حمایت دولت از حقوق مصرف‌کنندگان یکی از وظایف کلیدی دولت هاست که می‌تواند به مثابه اهرمی بازدارنده، راه را بر سودجویان سد کند.

نقش غیرقابل انکار دولت در اعمال این حمایت در حوزه قراردادهای اجازه بهره‌برداری، بررسی موضوع از این زاویه را به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل کرده است. منظور از این نقش، نظارت بر قوانین و مقررات ناظر بر حمایت از مصرف‌کننده است که مجزا از قوانین رقابتی اند. در این خصوص توصیه شده است که مقام یا نهاد دولتی باید نه تنها صلاحیت ارزیابی و تعدیل این

⁵ Competition Law

قوانین و مقررات را داشته باشد، بلکه اختیار نظارت بر اجرای آن‌ها را دارا باشد. از این رو گفتاری مستقل را به بررسی این مهم اختصاص داده شد که در این راستا ضمن بررسی ضرورت حمایت از مصرف کننده در قراردادهای لیسانس به نظارت حقوقی ایران در حمایت از حقوق مصرف کننده پرداخته می‌شود.

۴-۱. ضرورت حمایت از حقوق مصرف کننده در قراردادها لیسانس

بحثی که امروزه در محافل حقوقی به شدت مورد توجه است، حقوق مصرف کنندگان و لزوم حمایت از این حقوق است. قراردادهای اجازه بهره‌برداری با تمامی مزایایی که برای اهالی صنعت و تجارت و رونق اقتصادی کشورها دارد می‌تواند به ابزاری در جهت تضييع حقوق مصرف کنندگان بدل شود. بسیاری از شرکت‌های کوچک و نه چندان مشهور با انعقاد قرارداد اجازه بهره‌برداری از حقوق فکری با شرکت‌های معروف که کالاهای با کیفیت بالا را عرضه می‌کنند، می‌توانند با ایجاد این تصور در مصرف کنندگان که کالاهای آن‌ها نیز به همان اندازه با کیفیت و دارای استانداردهای لازم است، به میزان فروش خود بیافزایند و اگر در این میان راهکارهای حقوقی و قانونی مناسبی در جهت تحدید و تصحیح این رویه‌ها وجود نداشته باشد، نه تنها حقوق مصرف کنندگان مورد تعرض قرار می‌گیرد، بلکه صنعت و تجارت نیز دچار آسیب شده و به خصوص در مورد علائم تجاری، دیگر نخواهند توانست بیانگر کیفیت یا استاندارد خاصی در مورد کالاها و خدمات باشند و کارکرد خود را در تمایز کالا و خدمات از دست خواهند داد. (باقری، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۶)

اینجاست که بحث کنترل و نظارت بر قراردادهای اجازه بهره‌برداری اهمیت خود را آشکار می‌کند. به عبارت دیگر نکته قابل توجه که تدابیر احتیاطی، حقوقی لازم در مورد آن باید اتخاذ شود این است که هم اجازه دهنده و هم اجازه گیرنده می‌توانند به سود خود و به ضرر مصرف کننده از چنین قراردادهایی سوء استفاده کنند. اما کنترل و نظارت دولت بر این قراردادها در این میان به مثابه ابزاری است که به زیاده روی هر دو طرف لجام زده و منطق منطبق بر فلسفه وجودی حق فکری را برقرار می‌سازد. با الزامی بودن شرط کنترل چه به صورت یک شرط قراردادی یا به صورت یک الزام قانونی، اجازه دهنده برای جلوگیری از، از بین رفتن حقوق خود، ناچار می‌شود بر محصولات تولیدی توسط اجازه گیرنده نظارت و بازرسی کافی را اعمال کند؛ چرا که کوتاهی وی در اعمال کنترل شرایطی را ایجاد می‌کند که با همگانی شدن حق فکری، اجازه گیرنده مجبور نخواهد بود بابت استفاده از علامت به اجازه دهنده حق امتیاز پرداخت کند و بنابراین قرارداد مابین طرفین نیز اعتبار خود را به خودی خود از دست می‌دهد. از طرف دیگر نظارت بر این قراردادها موجب می‌شود تا اجازه گیرنده خود را ملزم به رعایت استانداردهای کیفی اجازه دهنده بداند. زیرا رعایت نکردن این استانداردها و اطلاع یافتن اجازه دهنده در صورت اعمال کنترل و نظارت، ممکن است براساس شروط قراردادی موجب فسخ قرارداد شود و اجازه گیرنده دیگر نخواهد توانست از علامت استفاده کند، نتیجه‌ای که به طور قطع مورد نظر اجازه گیرنده نمی‌باشد. (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۱)

در راستای حمایت از مصرف کنندگان، دولت نیز با وضع قوانین و مقررات دقیق به احصاء مصادیق رقابت‌های غیر منصفانه‌ای می‌پردازد که موجب تضييع حقوق مصرف کنندگان می‌گردند. طرح ریزی نظام حمایتی منسجم در جهت حفظ منافع مصرف کنندگان و کنترل و نظارت بر آن از جمله وظایف خطیر دولت هاست. نظارت دولت از موانع ساختگی با هدف حذف انحصار، جلوگیری می‌کند تا حداکثر رفاه برای مصرف کننده و تولید کننده و حداکثر تأثیر مثبت را در تولید داشته باشد و این تأثیر مثبت با افزایش کیفیت و تنوع کالاها صورت می‌گیرد و خود این امر موجب ترغیب دارندگان اموال فکری به عنوان تولید

کننده می‌شود، زیرا در این نظام، تولید کننده دیگر دنبال کسب منافع با حاصل جمع صفر نیست بلکه به حاصل جمع مضاعف فکر می‌کند یعنی تأمین منافع خود و مصرف کننده.

در هر حال پایه و مبنای وجود عنصر کنترل و نظارت آن است که فرد اجازه گیرنده به ضرر مصرف کنندگان منتفع نشود و از طرف دیگر اجازه دهنده با بی اعتباری و از دست دادن حقوق خود و همگانی شدن آن مواجه نگردد. (Falvery et al., 2006: p.p 700-719)

۴-۲. عملکرد نظارتی حقوق ایران در حمایت از حقوق مصرف کننده

امروزه مقررات مختلفی در کشورهای پیشرفته جهت حمایت از مصرف کننده در مقابل تولید کنندگان و فروشندگان و حمایت از تولید کنندگان در مقابل سودجویان وضع شده است. تدابیری که در جهت حمایت از مصرف کننده انجام می‌شود یکی به علت آگاهی دادن به مشتری از کیفیت اجناس و جلوگیری از تضرر مالی و جسمانی است و دیگر به لحاظ تشویق و ترغیب و اادار نمودن مؤسسات تولیدی و تجاری در جهت تولید کالا با کیفیت بهتر می‌باشد.

به طور کلی این تدابیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) پیش‌بینی و تأسیس سازمان‌ها و مؤسسات جهت ارائه اطلاعات و کنترل بر کیفیت اجناس مانند سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی و یا سازمان حمایت از مصرف کننده در ایران. (۲) وضع قوانینی که این مؤسسات تولیدی و تجاری را در قبال نتایج و آثار ناشی از نامرغوب بودن اجناس و کالاها مسئول بشناسد. (۳) پیش‌بینی مقررات کیفری در تخلف از مقررات راجع به حمایت از مصرف کنندگان و تعقیب کیفری و به مجازات رساندن متخلفین از آن.

در ایران به طوری که امروزه مشاهده می‌کنیم که با وجود گسترش نسبی این نوع قرارداد که عمدتاً به دلیل ورود فناوری از کشورهای صنعتی و توسعه یافته به کشور ما تحقق یافته است، هم چنان به امر کنترل و نظارت به خصوص کنترل کیفیت نظارت چندانی نشده است و تاکنون بحث جدی راجع به نیاز به وجود مکانیزمی مانند کنترل کیفیت به میان نیامده است. (امیری، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۱)

مشخص نیست شرکت‌های خارجی که اجازه تولید محصولات را تحت لیسانس به شرکت‌های ایرانی واگذار می‌کنند، برای حمایت از مصرف کنندگان و تضمین حقوق خود در علامت تجاری شان، چه تمهیداتی می‌اندیشند و آیا این نوع از قراردادها تنها وسیله‌ای برای تبلیغ و فروش بیشتر محصولات از سوی شرکت‌های ایرانی است و در مورد صحت اظهارات آن‌ها در مورد کیفیت کالا و محصولات و تطابق استانداردهای آن‌ها با استانداردهای شرکت خارجی اجازه دهنده، بازرسی و کنترل مناسبی صورت می‌گیرد یا خیر. البته نباید چنین تصور کرد که "حمایت از مصرف کننده همیشه با افزودن بر مسئولیت تولید کننده تأمین می‌شود و عدالت در مکان شایسته خود قرار می‌گیرد. زیرا زیاده روی در این راه نیز مؤسسه‌های تولیدی را با وضعی پیش‌بینی ناپذیر روبرو می‌سازد، هزینه تولید غیرقابل محاسبه می‌شود و سازنده کالا یا ارائه دهنده خدمات از ترس ورشکستگی از میزان تولید می‌کاهد". (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴) نتیجه این رویه آسیب به مصرف کننده است.

در کل به نظر می‌رسد کنترل و نظارت به خصوص شرط کنترل کیفیت در قراردادهای اجازه بهره برداری، در حقوق ایران را باید شرطی قراردادی دانست که با توافق طرفین و بدون اجبار قوه حاکمه در قرارداد گنجانده شده است. در ایران هنوز نهاد مستقل و خصوصی برای حمایت از مصرف کنندگان از طریق کنترل کیفیت ایجاد نشده است و سازمان‌هایی که این اقدامات را انجام می‌دهند، کاملاً دولتی و تحت نظارت وزارت بازرگانی اقدام می‌نمایند.

در نظام حقوقی ایران در مورد حمایت از مصرف کنندگان در قراردادهای اجازه بهره برداری، تصویب قوانینی مانند قانون حمایت از مصرف کنندگان هر چند تنها نقطه آغاز محسوب می‌گردد، اما می‌تواند پایه گذار تدوین قوانین جامع تری در این زمینه باشد، قوانینی که به طور اخص به مسأله حمایت از مصرف کنندگان و قراردادهای اجازه بهره‌برداری بپردازد. زیرا وجود رابطه قراردادی و تکیه بر مسئولیت قراردادی در این قراردادها برای حفظ مصالح عمومی و حمایت از مصرف کنندگان کافی نیست و نیاز به دخالت قوه حاکمه و وجود الزامات و شروط قانونی در این مورد احساس می‌شود. چرا که حق فکری هر چند یک حق خصوصی است اما از طرف دولت و برای مدت زمان معینی به رسمیت شناخته شده و حمایت از آن نباید موجب زیان جامعه شود زیرا فلسفه وجودی آن دادن اطلاع و آگاهی‌های لازم به عموم بوده است و چنان چه موجب گمراهی و ارائه اطلاعات غلط شود، قابل حمایت نخواهد بود. (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۳)

بنابراین همواره در این دست قراردادها وجود عنصری از حقوق عمومی که در ارتباط با مصالح جامعه است، محرز می‌باشد که قانون گذار می‌بایست در تدوین و تنظیم قوانین مربوطه در این مورد دقت لازم را به کار گیرد. باید با استفاده از قوانین و آئین نامه‌های مناسب، بستری را برای کنترل و نظارت بیشتر بر محصولات تولیدی از سوی شرکت‌های اجازه گیرنده در ایران فراهم آوریم. چرا که به هر حال "در یک جامعه منظم باید راهی اندیشید که هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند و هر کس سود کاری را می‌برد زیانش را نیز متحمل شود". (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۳)

به همین دلیل لازم است تا هم با گنجاندن قواعدی در قوانین و نظامات مربوط به حمایت از مصرف کنندگان و هم با تدوین مقرراتی در خصوص نحوه انعقاد قراردادهای اجازه بهره‌برداری به خصوص در مورد علائم تجاری و ذکر شروط مربوط به اعتبار و صحت این قراردادها، از سوء استفاده طرفین قرارداد به ضرر مصرف کنندگان جلوگیری به عمل آید و با استفاده از مکانیزم‌های قانونی و فرهنگی از مصرف کننده حمایت شود.

۵. نتیجه

بدیهی است نقش دولت در دسترسی به اقدامات قانونی مناسب، مکانیزم لازم و ضروری در زمینه اجازه بهره‌برداری است که تحت این اقدامات برای صاحبان حقوق امکان خواهند داشت که از هر اقدام تخلف آمیز ممانعت به عمل آورند و دولت‌ها نیز بتوانند با هر گونه تخلفی که عمداً با هدف دستیابی به سودهای کلان صورت می‌گیرد، برخورد نمایند بر این اساس عموماً اجازه‌های بهره‌برداری در قوانین شامل تشریفات رسمی در شماری از حوزه‌های سلسه مراتبی است. این تشریفات و رویه‌ها به این دلیل طراحی شده‌اند که صاحبان حقوق را نه تنها در کسب حقوق خود کمک کند بلکه حتی آنان را مجبور سازند که از تخلف یا تجاوز دیگران (معمولاً رقبای) جلوگیری به عمل آورند. ضمن اینکه در دنیای معاصر مسائل مربوط به اجازه بهره‌برداری علاوه بر ابعاد حقوقی دارای مباحث عمیق سیاسی نیز شده است. زیرا دانش و فناوری با قدرت سیاسی پیوند خورده و وسعت دانش بیانگر میزان توانایی، قدرت و اقتدار دولت قلمداد می‌گردد. و نکته قابل توجه اینکه دولت‌ها و نهادهای مدنی نیز تلاش می‌کنند قواعد آن را با اهداف خود هماهنگ کنند که این مسئله خود بیانگر حساسیت و اهمیت نقش نظارتی دولتهاست. بنابراین در این مقاله به نقش و نظارت دولت بر قراردادهای لیسانس و حقوق مصرف کنندگان پرداخته شد.

فهرست منابع

۱. آقای، منوچهر، انتقال تکنولوژی، مرکز تحقیقات و خدمات خودکفایی ایران، ۱۳۶۹، تهران.
۲. امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، جلد اول و دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، تهران.
۳. امیری علی، استاندارد کالاهای ایرانی و گزارش استاندارد، نشریه موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، شماره ۷، تهران، ۱۳۸۸
۴. انصاری، باقر، سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۷، تهران.
۵. ایدریس، کمیل، مالکیت معنوی مرز نمی‌شناسد، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۱۰، ۱۳۷۷
۶. باقری، محمود، حقوق اقتصاد ملی در نظم حقوقی بین‌المللی، مجله پژوهشی حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۲۳، ۱۳۸۶
۷. بزرگی، وحید، مقایسه مفاد قانون جدید مالکیت صنعتی با مفاد موافقت نامه تریپس در زمینه علائم تجاری، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۸ و ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۸. حکمت‌نیا، آرای عمومی (مبانی، اعتبار، قلمرو)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳
۹. السان، مصطفی، ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، مجله پژوهش‌های حقوقی موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شماره ۹، تهران، ۱۳۸۵
۱۰. عامری، فیصل، واردات موازی و مقررات سازمان تجارت جهانی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۴، ش ۳۷، تابستان ۱۳۹۱.
۱۱. عربیان، جواد، چشم انداز فقهی حقوقی مالکیت فکری، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲
۱۲. علیخان، شاهد، مزایای اقتصادی، اجتماعی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه، تهران، انتشارات فصل سبز، ۱۳۸۹
۱۳. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۱۴. میرشمسی، محمد هادی، قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷
۱۵. میرحسینی، سید حسن، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
۱۶. میرزاخانی، مریم، نقش دولت در نظارت بر کار دادهای اجاره بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱
۱۷. نایب زاده، شهناز، مقاله‌ی حقوق مالکیت معنوی و انتقال فناوری، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۸۰، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۱۸. نوروزی، علیرضا، حقوق مالکیت فکری (حق مولف و مالکیت صنعتی)، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۱
۱۹. هداوند، مهدی، قراردادهای انتقال، ماهنامه علمی آموزشی سال هفدهم، ۱۳۸۵.
۲۰. وکیل، امیر ساعد، حمایت از مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی و حقوق ایران، ۱۳۸۹

21. Falvey, R., Foster, N. & D. Greenaway (2006), "Intellectual Property Rights and Economic Growth", Review of Development Economics, No. 10, PP. 700-719.
22. Ghidini, Gustavo (2010), Innovation, Competition and Consumer Welfare in Intellectual Property Law, Edward Elgar, UK.
23. Michael, Blakeny, Legal Aspects of the transfer of Technology to Developing Countries, Oxford.ESC,Publishing limited, 1989.